

بررسی عوامل مؤثر بر سکونتگاه‌های زیستی روستایی

(مطالعه موردی: شهرستان سردشت)

شیرکو احمدی^{۱*}

shirkoahmadi@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: توجه به توسعه سکونتگاه‌های روستایی از ضرورت‌های محوری و انکارناپذیر توسعه منطقه‌ای و ملی در هر کشوری به شمار می‌رود؛ زیرا بین توسعه روستایی و شهری یک پیوستگی اساسی برقرار است که بدون داشتن نگاه ویژه به این پیوستگی، توسعه منطقه‌ای و ملی موفقیت آمیز نخواهد بود. توسعه سکونتگاه‌های روستایی فرآیندی پویا و همیشگی است که در آن علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، بر جنبه‌های غیراقتصادی آن از طرف کارشناسان و صاحب نظران سفارش و تأکید فراوان شده است. از جمله مهم‌ترین این تأکیدها، شناخت قابلیت‌های سکونتگاه‌های روستایی با توجه خاص به نحوه برخورد با محیط طبیعی و توجه جدی به ابعاد اصلی و کامل محیط روستا در مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها قابل بیان هستند.

روش بررسی: این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به روش پیمایشی میدانی درصدد ارزیابی عوامل مؤثر بر سکونتگاه‌های زیستی روستایی مناطق کوهستانی در شهرستان سردشت می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق روستاهای بالای ۵۰ خانوار شهرستان سردشت به تعداد ۸۵۶ خانوار است که از این تعداد ۲۰۰ خانوار به عنوان نمونه انتخاب گردید.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در این روستا عواملی هم‌چون شیب زیاد زمین، کوهستانی بودن منطقه، عدم امکانات زیستی، فواصل زیاد روستاها از مرکز شهر و ... مسائل و مشکلات بسیاری را برای ساکنان منطقه به وجود آورده و روستاییان این منطقه را مجبور به مهاجرت کرده است.

نتیجه‌گیری: به طور کلی بین عوامل جغرافیایی همانند شیب زمین، جنس زمین، دسترسی سطح آموزشی و الگوهای زیستی رابطه معنی‌داری وجود دارد که الگوهای زیستی خاص را برای روستاهای منطقه ایجاد کرده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل، تنگناهای زیستی، سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان سردشت.

Study of Effective Factors on Rural Biological Settlements **(Case Study: Sardasht City)**

Shirko Ahmadi ^{1*}

shirkoahmadi@gmail.com

Abstract

Background and Objective: Attention to the development of rural settlements of central and essential needs of regional and national development in any country is; because between rural and urban development, there is a basic continuity without a special look to this association, regional and national development will not be successful. Development of rural settlements and ongoing dynamic process that in addition to economic aspects, the non-economic aspects of the experts and scholars have been strongly emphasized and recommended. Among the most important emphasis, knowing the capabilities of rural settlements with particular attention to how to deal with the natural environment full and serious consideration to the size and rural environment are expressed in studies and planning.

Methods: In this research that is done with descriptive-analytical and with field survey methods has attempted to measure biological limitations of rural settlements in the mountainous areas in the city of Sardasht. The statistical population of this research is villages with more than 50 families that their number are 856 families in which, 200 families were selected as sample.

Findings: Findings of the study suggest that factors such as the high slope of the ground, the mountainous region, non-biological facilities, long distances from the center of town and countryside has created so many problems for residents and villagers of that region have been forced to migrate.

Conclusion: Generally, there is a meaningful relationship between geographical factors such as the slope of the land, geology, access to educational levels and life pattern that has created special biological patterns for the villagers.

Keywords: Study, Biological Constraints, Rural Settlements, Sardasht City.

1- Young Researchers and Elite Club, Islamic Azad University, Sardasht Branch (Urmia), Sardasht (Urmia), Iran. * (*Corresponding Author*)

زمینه و هدف

انسان‌ها از همان ابتدای پیدایش جوامع و مجتمع‌های زیستی اولیه، در پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی خود سعی کرده‌اند محیط و دنیای ساخته شده خود را تحت کنترل در آورند. این کنترل، خود را به صورت الگو و تشکیل محیط انسان‌ساخت منعکس نموده است (۱).

در برخی از منابع، کیفیت زندگی با امکانات مادی و معنوی شامل سلامتی، محیط زندگی، قوانین، تساوی حقوق، اشتغال و خانواده و مانند این‌ها بیان می‌شود (۲).

حیطه مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن شاید در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است (۳). از طرفی، بهبود کیفیت زندگی می‌تواند زمینه‌های دیگر توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و خدماتی را به همراه داشته باشد (۱). نگاهی به اجزاء و عناصر تشکیل دهنده سیستم روستایی نشان می‌دهد که بیش‌تر جوامع روستایی پیکره یکپارچه هستند به این مفهوم که مؤلفه‌های مختلف زندگی روستایی مانند مؤلفه‌های طبیعی (اقلیم، خاک، پوشش گیاهی و مرتع) اقتصادی (کشاورزی، صنعت و سرمایه‌گذاری‌ها) اجتماعی (الگوهای زیستی، رشدهای جمعیتی، آداب و رسوم، قومیت، معضلات و اختلافات فرهنگی، اجتماعی) و غیره همگی به طور تنگاتنگ با یکدیگر در ارتباط هستند (۴).

در فرآیند توسعه روستایی هر چند ارتقاء کلی همه نواحی روستایی مهم است، ولی توجه به نواحی روستایی محروم و کم‌تر برخوردار در راستای تأمین نیازهای اساسی آن‌ها و هم‌چنین تعدیل تفاوت‌ها در سطوح برخورداری آن‌ها اهمیت بیش‌تری دارد (۵). در دوره‌ی معاصر، اختلاف بین نواحی روستایی آن‌چنان شدید است که شاید مقایسه‌ی بسیاری از روستاها با یکدیگر نادرست باشد. تعدادی از روستاها دارای تمامی امکانات زیست و در کیفیت بسیار مطلوب می‌باشند و سهولت دسترسی به تمامی امکانات زیست، ساکنان چنین روستاهایی را بی‌نیاز به تفکر در مورد زیستن در شهرها می‌نماید. بر عکس در تعدادی دیگر از روستاها، ساکنان آن‌ها چنان با مشکلات زیستی مواجه‌اند که از نظر فقدان امکانات زیستی چهره‌ی روستاهای صدها

سال پیش را در ذهن هر بیننده‌ی زنده می‌نماید (۶). واقعیت مسلم آن است که امروزه روستاییان بیش از گذشته به بهداشت، آموزش، امکانات افزایش تولید و مصرف دسترسی دارند، ولی بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که توزیع منابع به هیچ وجه برابر نبوده است (۷).

موقعیت فیزیوگرافی سرزمین، در شکل‌گیری و استقرار شهرها و روستاهای مناطق کوهستانی بسیار مؤثر است. زیرا توسعه و پیشرفت این نواحی به شدت متأثر از توپوگرافی، شیب و حاصلخیزی اراضی در این گونه از روستاها و شهرها می‌باشد (۸). مشکلات زیستی در روستاهای مناطق کوهستانی، تصمیم به مهاجرت را برای ساکنان آن‌ها را قوت می‌بخشد و کم جمعیتی و تخلیه این روستاها با شدت بیش‌تری عملی می‌گردد. بررسی و شناخت نواحی روستایی و تحلیل قابلیت‌ها و تنگناهای آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی اهمیت به‌سزایی دارد و امروزه آگاهی از امکانات و تنگناهای نواحی روستایی، نوعی ضرورت جهت ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود. تعیین تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی در زمینه‌های مختلف با استفاده از روش‌های کمی نقش مهمی در این فرایند دارد (۵). عدم توجه کافی به جامعه روستایی به عنوان یک گروه مشخص با ویژگی‌ها، نگرش، علایق و نیازهای خاص خود باعث شده است تا برنامه‌هایی که برای آنها اجرا می‌شود اغلب منطبق با نیازها و خواسته‌های آنان نباشد و در عمل تغییر مثبت اندکی را در وضع زندگی آنان ایجاد نماید (۹).

این بی‌توجهی روستاها را به لحاظ شکل کالبدی به فضاهای بی‌روح و نامأنوسی از نظر زیستی مبدل می‌نماید. چنین فضایی، از نظر سکونت انسان‌ها، مطلوبیت چندانی ندارد. لزوم ایجاد محیطی مناسب از نظر زیستی برای جامعه روستایی، علاوه بر ایجاد امکانات و خدمات مورد نیاز روستاییان، تأمین کارکرد و درآمد از طریق سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی ضرورت دارد. زیرا، توسعه روستایی دیگر صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست، بلکه طیف وسیعی از فعالیت‌

های گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری قادر می‌سازد (۱۰).

بررسی تنگناها و مشکلات زیستی روستاهای مورد مطالعه این تحقیق (آغلان، بیوران علیا، شلماش، کانی زرد، موسالان ورده، واوان و ورگل) نشان می‌دهد که روستاهای کوهستانی مستقر در این شهرستان با مشکلات شدید کمبود اراضی هموار برای انواع ساخت و ساز و به ویژه در بخش مسکن روستاییان مواجه بوده و مشکلات بسیاری را برای این روستاها به وجود آورده است. بخش عمده‌ای از جمعیت روستاهای شهرستان سردشت، با توجه به شرایط طبیعی آن، در فضاهای جغرافیایی معینی مانند: دره‌ها، کوه‌ها و کوهپایه‌ها متمرکز شده است. چنین فضاهای زیستی (روستاهای مناطق کوهستانی) نه تنها تنگناها و محدودیت‌هایی را برای توسعه روستاها به بار می‌آورد، بلکه سد راه فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی روستاهای مذکور نیز گردیده و لزوم تحقیق و بررسی در این زمینه را ضروری ساخته است. بنابراین هدف این تحقیق تحلیل عوامل مؤثر بر سکونتگاه‌های زیستی روستایی در شهرستان سردشت است و درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد: آیا بین کوهستانی بودن و تنگناهای زیستی در شهرستان سردشت رابطه وجود دارد؟ عوامل محیطی و شرایط زیستی سخت، چه تاثیری بر روستاییان منطقه گذاشته است؟

مبانی نظری

ارزیابی به معنی سنجش ارزش یک پروژه یا برنامه، پیش از تصویب یا اجرای آن است و با ارزشمندی یک پروژه پیشنهادی برای سرمایه‌گذاری ارتباط دارد. ارزیابی به معنی امکان‌پذیری طرح‌ها و پروژه‌ها به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و یا سنجش گزینه‌ها و طراحی و برنامه‌ریزی از جنبه‌های مختلف و انتخاب گزینه‌ی مطلوب به کار می‌رود. با توجه به این‌که ارزشیابی به معنی سنجش ارزش یک پروژه در ضمن و یا پس از اجرای آن است. بنابراین گاهی اوقات ارزیابی و ارزشیابی پیش از اجراء بر هم منطبق هستند (۵). زیست‌پذیری مفهومی چند بعدی است که گاه با مفاهیم کیفیت زندگی، رفاه

و رضایت‌مندی از شرایط زندگی دارای همپوشانی‌های بسیاری است و جنبه‌های مختلفی نظیر مسائل مادی و غیر مادی را در بر می‌گیرد (۱۱). بنابراین به مکانی قابل زیست اطلاق می‌شود که شرایط خوب مادی، اجتماعی، روانی و پیشرفت شخصی همه‌ی ساکنان در آن فراهم باشد. در روستاهای قابل زیست زمینه‌های همیاری، مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها بالا است. همچنین امکانات و خدمات استاندارد برای زندگی در این گونه روستاها فراهم است (۱۲). براین اساس شاخص کیفیت زیست‌پذیری یک محیط یا فضا تحت تأثیر عوامل بسیاری کاهش یافته و زمینه‌ی ناپایداری‌های فضایی را برای سکونتگاه‌های انسانی آن فراهم می‌آورد. به عبارتی زیست‌پذیری سکونتگاه به نوعی می‌تواند بیان‌گر پایداری آن سکونتگاه باشد که با آثار و پیامدهای منفی ناشی از مخاطرات محیطی کاهش می‌یابد. مخاطرات محیطی با منشأ مختلف یکی از علل مهم کاهش زیست‌پذیری سکونتگاه‌ها است. به ویژه در نواحی روستایی که آسیب‌پذیری بالای ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی این علل، زمینه‌ی بروز ناپایداری را توسعه داده است، وقوع مخاطرات با پیامدهای بی‌شمار خود سبب کاهش کیفیت زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی می‌گردند. بدیهی است که سکونتگاه‌های روستایی در سرتاسر جهان با مشکلات و مسائل عدیده و متفاوتی دست به گریبان هستند؛ زیرا اصولاً همه‌ی مناطق طبیعی زمین برای استقرار سکونتگاه‌های روستایی مناسب نیستند و بیش‌تر روستاها در معرض تهدید جدی عوامل مختلف طبیعی و ژئومورفولوژیکی قرار دارند (۱۳) که این پایداری و ناپایداری‌ها خود سبب آسیب‌پذیری روستاها در برخی از ابعاد نظیر کالبدی، اقتصادی، کشاورزی و اجتماعی شده و توانایی انطباق با این شرایط به نوعی گویای مقیاس انعطاف‌پذیری اجتماعات روستایی است. به عبارت دیگر بهتر بودن شرایط زیست در محیط (اعم از محیط کالبدی و غیر کالبدی) سکونتگاه‌های انسانی، زمینه‌ساز تقویت توانایی‌ها، عزت نفس و اعتماد به نفس در بین مردم اجتماعات محلی می‌گردد. زندگی امروز بنا به علت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و محیطی با چالش‌های گسترده‌ای مواجه است که تقاضای

بشری و به ویژه روستاها بر پایه‌ی عوامل طبیعی مانند آب و خاک مناسب استوار بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهای اجرایی برای تداوم پایداری سکونتگاه‌های روستایی شامل بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک، تقویت بنیان‌های اقتصاد روستایی، مدیریت اراضی کشاورزی، تعیین الگوی کشت و اصلاح الگوی مصرف آب کشاورزی پیشنهاد شده است (۱۹). اجتماعی و دیگران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان سنجش پایداری سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی فیروز آباد فارس) با استفاده از شاخص‌های وزنی و تحلیل فضایی را انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد زیست محیطی با ۴۴ درصد بیش‌ترین تأثیر را بر روی سکونتگاه‌های روستایی فیروزآباد داشته است. همچنین تحلیل فضایی نشان-دهنده این است که روستاهایی که از ناپایداری بیش‌تری برخوردار بوده‌اند به سمت حاشیه دشت کشیده شده‌اند (۴).

طبیعی لنگرودی (۱۳۸۵) مقاله‌ای را با عنوان ارزیابی تنگناهای توسعه‌ی فیزیکی- سکونتی در روستاهای دره‌ای غرب شهرستان مشهد انجام داده است؛ مطالعات انجام شده روی ۲۰۰ خانوار نمونه در این روستاها نشان می‌دهد که تنگناهای فیزیکی موجود (ناهمواری و شیب تند اراضی) سبب مهاجرت و کم جمعیتی روستاهای دره‌ای مورد مطالعه گردیده و بعضی از روستاها در حال تخلیه جمعیت می‌باشند (۶).

کازمی‌پور (۱۳۷۴) در تبیین علل مهاجرت روستاییان به شهر تهران می‌گوید: «از آن‌جا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شود و در تعدادی از شهرها پاسخ مناسبی برای آن‌ها وجود دارد، نوعی عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود و روستاییان برای ارضای نیازهای خود مهاجرت می‌کنند» (۲۱). شیوه‌ی تحقیق در تنگناها و مشکلات زیستی روستاییان بر مبنای تبیین حرکت در جهت بهبود وضع زندگی و حیات در این مناطق است. ورود به مباحث تنگناهای زیستی روستاییان و پیشرفت و کنکاش در این خصوص و مشکلات آن، مستلزم انتخاب روش مناسب با موضوع و پیچیدگی آن مسائل و علوم مربوط به آن است. مشکلات شدید زیستی در روستاهای مناطق کوهستانی، تصمیم

مردم را برای برخورداری از محیط مناسب و با کیفیت‌تر، در همه‌ی ابعاد، شکل می‌دهد. جامعه‌ی فراگیر با اقتصاد پویا، رعایت عدالت اجتماعی، فرهنگی استوار و در عین حال متنوع، توسعه‌ی پایدار و محیط امن برای همه از خواسته‌های عمومی شهروندان است (۱۴). بنابراین به مکانی قابل زیست اطلاق می‌شود که شرایط خوب مادی، اجتماعی، روانی و پیشرفت شخصی همه‌ی ساکنان در آن فراهم باشد. در تقسیم‌بندی توسعه از نظر پایداری دو مفهوم توسعه پایدار و ناپایدار مطرح است که در برخورد اولیه با این مفهوم، توسعه پایدار آن نوع از توسعه است که بهره‌برداری از منابع قابل تجدید را مد نظر داشته باشد. توسعه ناپایدار نیز هنگامی بروز خواهد کرد که بهره‌برداری از منابع غیرقابل تجدید در اولویت باشد که نهایتاً منجر به تخلیه منابع شده و جایگزینی برای آن‌ها اندیشیده نشود (۱۵).

منظور از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست بلکه مفهومی جدید از توسعه اقتصادی و اجتماعی است، توسعه‌ای که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی جهان مد نظر قرار می‌دهد (۱۶). توسعه پایدار روستایی عبارت است از توجه همزمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی و وحدت میان این ابعاد به منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی (۱۷). هرگاه روند تحول و تکامل سازمان فضایی سکونتگاه‌ها و عوامل مؤثر در آن، تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی و بیرونی از لحاظ زمانی در تقابل با یکدیگر و شرایط مکانی، قرار گیرند، در نظام و عملکرد این سازمان نابسامانی‌هایی به وجود می‌آید که منجر به ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی می‌شود. در چنین شرایطی دخالت در نظام سکونتگاهی به منظور پایدار نمودن و بهینه‌سازی آن ضروری است (۱۸). در مورد زندگی و الگوهای زیست روستایی نظرهای مختلفی بر اساس دیدگاه‌های متفاوت صاحب‌نظران عرضه شده که هر کدام یک یا چند بعد از ابعاد آن را از زاویه نگرش خاص خود بررسی کرده‌اند:

عنابستانی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای نقش عوامل طبیعی در پایداری سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سبزواری) را نوشته است. نتایج نشان می‌دهد که پیدایش سکونتگاه‌های

به مهاجرت را برای ساکنان آن‌ها قوت بخشیده و کم جمعیتی و تخلیه این روستاها با شدت بیش‌تری عملی کرده است. اصولاً توجه به ابعاد شاخص‌های پایداری به منظور سطح‌بندی سکونتگاه‌ها همراه با شناسایی وجوه اصلی ناپایداری می‌تواند مرحله آغازین آسیب‌شناسی روستایی و طرح‌ریزی‌های اساسی، جهت دستیابی سلسله مراتبی از سکونتگاه‌های روستایی با

پیوند و کارکرد مطلوب باشد (۲۲). شاخص‌ها به عنوان واژه‌های دارای مفهوم ضمنی، وسیله‌ای هستند که ارزیابی پیشرفت‌های آینده را فراهم می‌آورند و از طرفی دیگر، مقصد و هدف را بیان می‌کنند (۲۳). جدول ۱، ابعاد و شاخص‌های پایداری در مناطق روستایی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ابعاد و شاخص‌های پایداری در مناطق روستایی مورد مطالعه

Table 1- Dimensions and indicators of sustainability in villages studied

ابعاد پایداری و اعتبار	بعد اجتماعی	بعد کالبدی	بعد اقتصادی	بعد زیست محیطی
شاخص‌ها	رضایت از زندگی دسترسی به آب شرب چشم‌انداز زیبای طبیعی کیفیت سلامت و امنیت کیفیت اوقات فراغت کیفیت آموزشی	مسکن با دوام فاصله مناسب از شهر میزان سرانه مسکن معمار و نوع مصالح کیفیت زیرساخت‌ها کیفیت محیط مسکونی	سطح زیر کشت هزینه کم مصالح میزان دسترسی به آب راه‌های ارتباطی و معابر اشتغال و درآمد وضع مهاجرت	کمیت و تنوع منابع آب در روستا درصد تغییرات پوشش گیاهی مواد غذایی سالم و بهداشتی کیفیت محیطی سرانه بهداشتی
آلفای کرونباخ (۰/۷۸)	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۷۹	۰/۸۰

روش بررسی

۱- مروری اجمالی بر منطقه مورد مطالعه

شهرستان سردشت دارای موقعیت ۴۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه شمالی از عرض جغرافیایی می‌باشد. این شهرستان با وسعتی بالغ بر ۱۴۱۱ کیلومتر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. ارتفاع شهرستان سردشت از سطح دریا ۱۷۸۹ متر است که از شمال غربی به شهرستان پیرانشهر، از جنوب به استان کردستان و عراق، از غرب به کشور عراق، از شمال شرقی به شهرستان

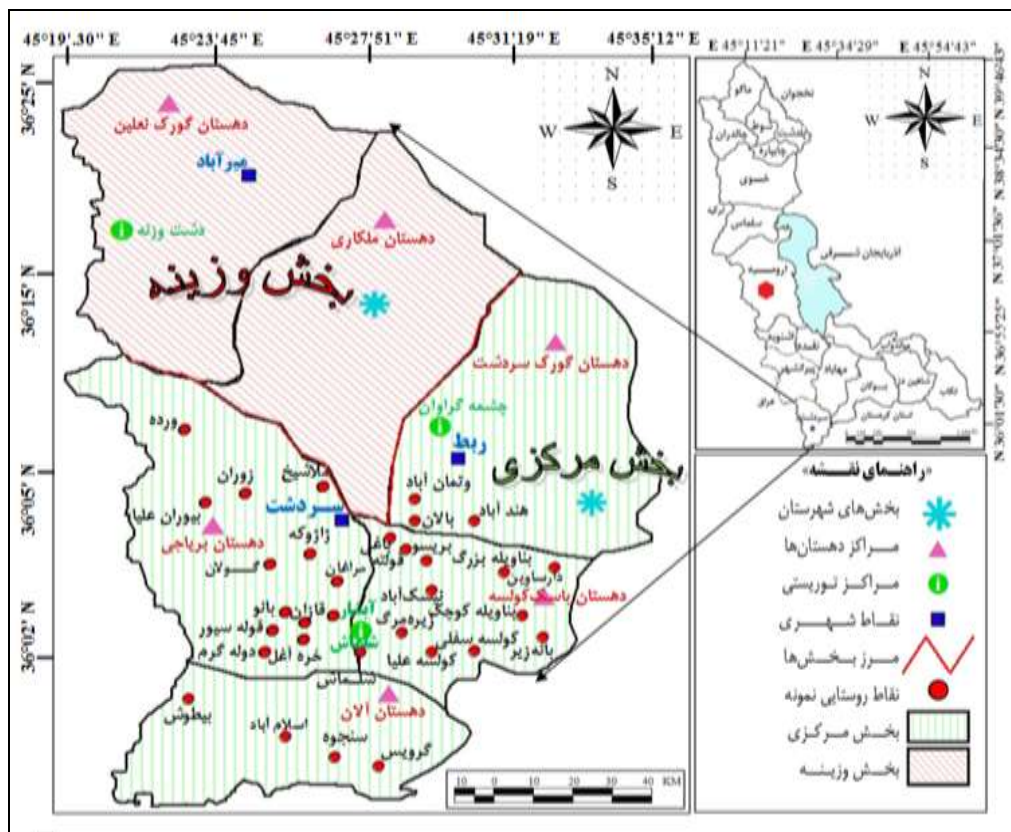
مهاباد و از شرق به شهرستان بوکان منتهی می‌شود و ۹۶ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ این شهرستان دارای ۱۱۸/۸۴۹ نفر جمعیت می‌باشد. از این تعداد حدود ۵۷/۳۵ درصد از آن در شهر و ۴۲/۴۶ درصد آن در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (۲۴). مشخصات روستاهای نمونه شهرستان سردشت در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲- مشخصات روستاهای مورد مطالعه شهرستان سردشت

Table 2- Specifications in villages studied, the city of Sardasht

ردیف	نام آبادی	دهستان	وضعیت طبیعی	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
				تعداد خانوار	تعداد جمعیت	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	تعداد خانوار	تعداد جمعیت
۱	بژوه (اسلام آباد)	آلان	کوهستانی	۲۰۵	۱۱۸۱	۱۷۱	۹۵۷	۱۷۶	۹۴۲
۲	بیطوش	آلان	کوهستانی	۱۵۹	۸۷۱	۱۲۵	۶۵۴	۱۷۹	۸۱۷
۳	بانو	بریاجی	کوهستانی	۱۹	۱۳۸	۲۲	۱۳۴	۲۴	۱۰۹
۴	باغی	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۲۹	۱۸۱	۵۳	۳۱۴	۵۲	۳۰۶
۵	بیوران علیا	بریاجی	کوهستانی	۱۰۸	۶۶۷	۱۱۰	۶۸۸	۱۱۹	۵۱۷
۶	بناویله کوچک	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۵۲	۳۶۷	۶۲	۳۷۳	۶۷	۳۶۰
۷	بناویله بزرگ	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۵۴	۳۷۶	۴۳	۳۰۹	۴۰	۲۱۴
۸	بریسو	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۵۰	۳۲۰	۵۰	۳۹۰	۶۱	۳۶۷
۹	بانه زیر	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۶۴	۴۱۶	۵۲	۳۷۱	۴۸	۲۹۱
۱۰	خره آغل	بریاجی	کوهستانی	۱۴	۷۵	۸	۵۳	۶	۲۳
۱۱	دارساوین	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۴۶	۲۶۳	۳۵	۲۰۸	۳۳	۱۴۹
۱۲	دوله گرم	بریاجی	کوهستانی	۷۲	۴۲۱	۷۰	۳۶۴	۸۹	۳۹۲
۱۳	ژازوکه	بریاجی	کوهستانی	۲۵	۱۶۴	۲۵	۱۷۰	۲۸	۱۵۹
۱۴	زوران	بریاجی	کوهستانی	۸۱	۴۷۷	۹۱	۵۴۳	۱۰۵	۵۹۵
۱۵	زره مرگ	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۳۹	۲۴۳	۳۳	۲۱۸	۲۰	۹۹
۱۶	شلماش	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۹۴	۶۱۱	۷۷	۴۶۶	۷۹	۴۵۷
۱۷	بالان	گورک	کوهستانی	۲۸	۱۵۵	۲۱	۱۴۵	۲۹	۱۵۸
۱۸	سنجوه	آلان	کوهستانی	۸۴	۴۶۴	۶۹	۳۹۸	۹۰	۴۴۸
۱۹	قازان	بریاجی	کوهستانی	۱۶	۹۸	۱۲	۶۱	۱۱	۳۳
۲۰	قلته	باسک کوله‌سه	کوهستانی	۱۰۲	۵۱۳	۳۸	۲۲۳	۵۱	۲۷۱

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۸۵.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه شهرستان سردشت مأخذ: (۲۴)

Figure 1- Geographical location villages studied city of Sardasht. Source: (24)

مواد و روش‌ها

آمد که از بُعد آماری قابل قبول و برای تحقیق حاضر ضریب پایایی مناسبی بود. سرانجام با اطمینان از پایایی و اعتبار محتوایی پرسشنامه، نسبت به تکمیل آن از سوی نمونه‌ی مورد نظر اقدام شد.

ترکیب شاخص‌های کمی و کیفی و شدت پایداری با استفاده از روش استانداردسازی شاخص‌ها در مقیاس طیف لیکرت در پنج طبقه (خیلی کم: (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، و خیلی زیاد (۵)) صورت گرفته است. بر اساس آزمون تک نمونه‌ای عدد ۳ به عنوان میانه نظری شاخص‌ها انتخاب و در نهایت اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS for/win^{ver.16} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، در تحلیل داده‌ها برای دستیابی به آزمون فرضیه‌های تحقیق، از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی است. بررسی مطالعات میدانی و روش ارزیابی بر اساس شاخص‌های کمی و پرسشنامه- ای می‌باشد. برای تدوین پرسشنامه، منابع موجود در بخش نظری بررسی و سؤالات و گویه‌های مناسب سنجش متغیرها انتخاب گردید. جامعه‌ی آماری پژوهش، ۴۸۱۲ خانوار از روستاهای بالای ۵۰ خانوار شهرستان سردشت تشکیل می‌دهد و حجم نمونه آماری این تحقیق به دلیل گستردگی منطقه و تعداد زیاد خانوارها، از روش خوشه‌ای مکانی و به شیوه‌ی تصادفی ۱۰۲۵ خانوار بهره‌بردار از ۲۰ روستای مورد مطالعه‌ی این پژوهش انتخاب گردید. جهت گردآوری داده‌های موردنظر، پرسشنامه‌ای در چند بخش شامل ویژگی‌های فردی، اجتماعی و خصوصاً اقتصادی تنظیم گردید. تعیین روایی پرسشنامه با نظر متخصصان و اساتید رشته‌ی برنامه‌ریزی روستایی تأیید و برای پایایی پرسشنامه، ۲۰۰ مورد توسط روستاییان تکمیل و ضریب پایایی آن نیز از روش آلفای کرونباخ (۰/۷۸) به دست

یافته‌ها

الگوهای زیستی روستاییان

الف) مسکن روستایی

مسکن روستایی بر خلاف مسکن شهری فقط محل سکونت و استراحت خانواده نیست، بلکه براساس اقلیم و الگوی معیشت خانواده شکل می‌گیرد. از این رو شناخت وضع موجود مسکن، اولین و حیاتی‌ترین رویکرد در فرآیند طراحی معماری روستایی به شمار می‌رود (۲۵). بافت روستایی متشکل از مجموعه عناصر موجود در روستا می‌باشد. عناصری هم‌چون خانه‌های مسکونی، اماکن عمومی و روابط بین آن‌ها. جهت بررسی بافت روستا باید عوامل متعددی مورد بررسی قرار گیرد (۲۶). بررسی سکونتگاه‌های انسانی روستا متأثر از عوامل معیشتی، بوم‌زندگی و شیوه سکونت امکان‌پذیر است. آنچه در این زمینه مهم جلوه می‌شود نحوه معیشت و سنت سکونت است. آن‌جا که معیشت خانواده روستایی بر مبنای کشاورزی استوار باشد شکل کالبد آن در مسکن، در نحوه قرارگیری فضاها و ارتباطات و هم‌چنین تعداد اتاق‌ها و انبارها تجلی می‌کند و در این صورت سطح بیش‌تری از خانه و موقعیت آن نیز در این رابطه تعیین‌کننده است و هم‌چنین مواردی که معیشت خانواده بر محور دامداری استوار است فضای سکونتی از دو نوع فضای دامی و انسانی تشکیل می‌یابد (۲۷). از مسائل عمده روستاها نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مساکن روستایی است. شکل مساکن روستایی با توجه به قدمت طولانی بعضی روستاها به صورت ترکیبی از دو بافت قدیمی و نو می‌باشد که این دو بافت در کنار هم قرار گرفته‌اند (۲۸). مسکن به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه دارای ابعاد مختلف اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و فرهنگی است. مسکن مناسب ضمن تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، باعث بهبود کیفیت زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود و در واقع مفهومی فراتر از سرپناه دارد. در روستاها به علت بی‌توجهی به شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و هم‌چنین در دسترس بودن زمین برای ساخت مسکن، مشکلات موجود در این بخش کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی‌های انجام شده در روستاهای جهان نشان دهنده تنوع ساخت و به

کارگیری راه‌حل‌های مختلف به منظور پاسخگویی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی است که یک مسکن به طور طبیعی با آن‌ها رو به روست (۲۹). عمده‌ترین عامل در شکل‌گیری خانه‌ها در روستاهای کوهستانی و دره‌ای عامل زیست محیطی و طبیعی است. استقرار این روستاها در جوار کوهستان‌ها موجب پیروی معماری محلی از شیوه‌های ساخت‌وساز ویژه شده است؛ از جمله گرایش غالب در ساخت مسکن پلکانی و ارتفاعی بسیار مشهود می‌باشد (۳۰). یکی از مشکلات اساسی در روستاهای کوهستانی، تأمین فضای کافی برای ساخت‌وسازها به ویژه مسکن روستایی است. این قسمت از بررسی، حاصل یافته‌های مربوط به مسکن و فرهنگ سکونت و نتیجه مشاهدات، مصاحبه‌ها و تکنیک‌ها و روش‌های لازم برای جمع‌آوری اطلاعات در روستاهای نمونه است.

۱- ساختار مسکن و تنگناهای آن

آنچه به طور غالب، کالبد و روح حاکم بر خانه‌های روستایی را در منطقه مورد مطالعه تحت تأثیر قرار می‌دهد، عبارت است از شیوه‌ی ساخت واحدهای مسکونی از گذشته تاکنون، سنت، فرهنگ و محیط طبیعی. روستاهای مورد مطالعه در منطقه‌ای واقع شده‌اند که بیش‌تر به صورت تپه ماهوری بوده، حتی خود شهر سردشت نیز بر روی کوه (گرده‌سور) و تپه‌ای بلند و ناهموار واقع شده و از اطراف به کوه‌های بلند قندیل ختم می‌شود. بنابراین در این مناطق با افزایش ارتفاع از سطح زمین توسعه خانه‌سازی نیز کند و یا تقریباً متوقف می‌شود.

روستاهای مستقر در نواحی کوهستانی شهرستان سردشت اکثراً به حالت متمرکز شکل گرفته‌اند و از پراکندگی و دیگر اشکال روستاها کم‌تر به چشم می‌خورد. بیش از ۹۵٪ روستاها از چنین حالتی برخوردار هستند و از نمونه‌هایی که خانه‌ها در باغات و مزارع کشاورزی (تک خانه‌ای) ساخته شده باشند بسیار کم است و یا اصلاً وجود ندارد. توجه به فضاهای روستایی در جهت تأمین امکانات کافی برای جمعیت ساکن در آن از الزامات برنامه‌ریزی در این روستاها است. بین روستاهای این شهرستان، روستاهای کوهستانی مورد مطالعه این تحقیق به دلیل

محیطی به صورت‌های مختلف شکل می‌گیرند و این شکل‌گیری همواره با زندگی اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی موجود در آن عجین است.

وضعیت خاص جغرافیایی منطقه مورد مطالعه موجب پیدایش شیوه‌های متفاوت ساخت مسکن شده است. با توجه به کوهستانی بودن و توپوگرافی خاص منطقه، تیپ غالب مسکن روستایی منطقه‌ی مذکور متراکم و فشرده می‌باشد. عامل اصلی در متراکم بودن تیپ مسکن منطقه، شیب زیاد و کمبود زمین می‌باشد؛ هم‌چنین بافت مسکن این منطقه با ساختاری منحصر بفرد جزء معماری اصیل و بومی منطقه محسوب می‌شوند.

بسیاری از بناهای روستایی مورد مطالعه در گذشته و نیز تعداد اندکی در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند. خانه‌ها عموماً (۸۳ درصد) دارای قدمتی بیش از سه دهه هستند که این مشکلات تعمیر و بازسازی مسکن را برای اهالی روستاها در پی دارد. در این مناطق عموماً پشت بام‌های خانه متناسب با مقتضیات آب و هوایی سطح می‌باشند این حالت در حدود ۱۰۰٪ خانه‌های قدیمی و سنتی را در بر می‌گیرد که می‌توان آن را جلوه‌ای از انطباق با شرایط اقلیمی پر برف این ناحیه در گذشته و حال دانست. مصالح مورد استفاده در سقف این خانه‌ها بیش‌تر از مصالح بومی استفاده شده که در کلیه روستاهای مورد مطالعه بیش از ۸۰٪ از تیرهای چوبی، گل و کاه، سنگ و گل استفاده شده است. نمای اکثر خانه‌ها سنگ و گل است و از مصالح جدید امروزی کم‌تر استفاده شده است. در اکثر ساختمان‌ها وجود برهيوان (یا بانی‌ژن) که اکثراً آن را با برگ گیاهان و درختان جهت سایه در فصل تابستان می‌سازند برای فراغت روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تنگناهای فیزیکی به ویژه کمبود اراضی هموار برای فضای مسکونی و تأسیساتی، در ردیف روستاهای مسئله‌دار شهرستان می‌باشند. این روستاها در ارتباط هر چند کم‌تر با شهرهای دور و نزدیک، نه تنها در ساخت و ساز مسکن خود تحت تأثیر شهر قرار نگرفته‌اند، بلکه ساختار خانوادگی (۷۰٪ درصد) و به تبع آن فرهنگ و زیست روستاها بیش‌تر در این ساخت‌وسازها تأثیرگذار بوده است.

هم‌چنین در روستاهای مورد مطالعه به لحاظ محدودیت فضا و شیب اراضی، مشکلات زیست محیطی بسیاری مشاهده می‌شود؛ زیرا محدود بودن فضا و شیب تند، شبکه فاضلاب و آبرسانی را با مشکل جدی مواجه ساخته و مردم روستاها مجبور شده‌اند که چاه‌های فاضلاب خود را در فواصل اندک از خانه‌های خود حفر کنند که مشکلات بهداشتی و انواع عفونت‌ها را موجب می‌شود. با توجه به موارد گفته شده، علاوه بر این که ساخت فضای مسکونی در منطقه مورد مطالعه ارتباط تنگاتنگی با عوامل و شرایط جغرافیایی و وضعیت آب و هوایی دارد بدان نحو که با توجه به این شرایط شکل ویژه‌ای به خود می‌گیرد. وضعیت آب و هوایی منطقه سردسیر سردشت موجب شده تا خانه‌های روستایی مورد مطالعه غالباً در دامنه شیب تپه‌ها و یا در دو سوی دره‌ای عمیق یا کم عمق بنا شوند که ساخت آن‌ها ناشی از چند عامل می‌باشد و مهم‌ترین آن تابش نور خورشید است. از این رو و با توجه به آنچه گفته شد، خانه‌ها در روستاهای مورد مطالعه، هم‌چون سایر روستاهای کوهستانی، به واسطه عوامل خاصی مانند وضعیت توپوگرافی زمین، اراضی ناهموار، سنت زیست و همجواری در یک مکان تجمع یافته‌اند و دارای بافتی فشرده و متراکم هستند.

۲- معماری خانه‌های روستاهای کوهستانی

ساخت و ساز خانه‌های روستایی به تناسب موقعیت آب و هوایی حاکم بر هر منطقه و نیز جنس خاک و در واقع شرایط زیست

جدول ۳- مصالح به کار رفته در ساختمان‌های مسکونی روستاهای مورد مطالعه شهرستان سردشت (درصد)

Table 3- Materials used in residential buildings, villages studied, the city of Sardasht (percent)

نوع مصالح روستایی			نام آبادی
غیر فرسوده (بادوام)	نیمه فرسوده	بافت فرسوده	
۱۸/۹	۲۶/۷۸	۵۴/۳۲	بژوه (اسلام آباد)
۱۲/۱۲	۲۹/۷۴	۵۸/۱۴	بیطوش
۳۲/۸۵	۲۰/۶۹	۴۶/۴۶	بانو
۱۲/۱۲	۳۵/۲۵	۵۲/۶۳	باغی
۴۷/۱۸	۱۴/۴۳	۳۸/۳۹	بیوران علیا
۱۰/۰۸	۲۸/۱	۶۱/۸۲	بناویله کوچک
۱۱/۲۸	۳۰/۱۱	۵۸/۶۱	بناویله بزرگ
۱۷/۱۵	۳۳/۶	۴۹/۲۵	بریسو
۲۱/۵۹	۳۴/۳۴	۴۴/۰۷	بانه زیر
۲۳/۸۹	۲۴/۶	۵۱/۵۱	خره آغل
۲۶/۶۶	۳۴/۶۶	۳۸/۶۸	دارساوین
۶/۲۳	۲۹/۷۸	۶۳/۹۹	دوله گرم
۱۴/۹۸	۳۰/۳۳	۵۴/۶۹	ژاژوکه
۱۳/۴	۲۲/۲۸	۶۴/۳۲	زوران
۸۳/۸	۱۲/۳۵	۳/۸۵	زره مرگ
۱۹/۸۹	۲۶/۳۵	۵۳/۷۶	شلماش
۲۲/۴۱	۲۵/۲۵	۵۲/۳۴	بالان
۸/۳۳	۳۰/۱۳	۶۱/۵۴	سنجوه
۸/۱۴	۳۱/۴۸	۶۰/۳۸	قازان
۴۷/۱۸	۱۴/۴۳	۳۸/۳۹	قلته
۲۲/۹۱	۲۶/۷۳	۵۰/۳۶	میانگین
۱۸/۴۳	۶/۸۵	۱۳/۷	انحراف معیار
۰/۸۰	۰/۲۶	۰/۲۷	ضریب تغییرپذیری

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اسب و دیگر حیوانات باری به محل آورده می‌شده است، اقدام کنند. فضابندی تمام خانه‌ها تقریباً شبیه به هم است با این تفاوت خانوارهایی که در گذشته یا حال اقدام به صنایع دستی کرده‌اند اتاق یا مکانی را برای کارهای صنعتی (فرش بافی و قالی) اختصاص داده و از آن برای تأمین معاش خانواده استفاده کرده‌اند. به غیر از اتاق‌هایی که فضای خور و خواب و پذیرایی از

با توجه به جدول شماره ۳، استفاده از مصالح بادوام (۲۲/۹۱ درصد) و نیمه فرسوده (۲۶/۷۳ درصد) در روستاهای مورد مطالعه بسیار کم است که نبود راه مناسب، مشکلات جاده و خطرات آن عامل اصلی چنین موردی است. اهالی روستا سعی کرده‌اند که بیش‌تر مصالح خود را از محیط گرفته و در دل کوه-ها به تأمین سنگ‌های بزرگ و زیربنای ساختمان‌ها که اغلب با

کوچه‌ها و معابر روستاها اغلب عرضی کم‌تر از ۱/۵ متر دارند و از ۲ متر تجاوز نمی‌کند. تقریباً کلیه معابر و کوچه‌ها خاکی بوده و در بعضی کوچه‌ها اهالی روستا اقدام به سیمان و آسفالت کوچه‌ها کرده‌اند. استقرار واحدهای مسکونی روستایی این پژوهش بر روی دامنه‌ها و تپه‌ها، شیب‌های شدیدی را در معابر ایجاد کرده که این عامل در فصل زمستان با ریزش برف و باران و بروز یخبندان تشدید می‌شود و خطرات زیادی را در پی دارد. بیش‌تر کوچه‌ها و معابر در گذشته برای عبور چارپایان ساخته شده که امروزه با توجه به رواج استفاده از ماشین، رفت و آمد با مشکلات بسیاری همراه است و وسایل نقلیه به داخل کوچه‌ها و معابر آن راه ندارد که این نیز هزینه‌های جابه‌جایی وسایل از جمله سوخت، مصالح مورد نیاز ساختمان و دیگر لوازم خانگی را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو ساخته است. استقرار این روستاها در دره‌های کم عمق و عمیق، فواصل زیاد آن‌ها از نقاط شهری با جاده‌های پر پیچ و خم زیاد، خاکی و شوسه بودن و سراسیمبی جاده‌ها از دیگر مشکلات راه‌های ارتباطی این مناطق به شمار می‌رود.

ج) الگوهای مصرف مواد غذایی

یکی از عواملی که در تأمین غذای این روستاها اهمیت فراوان دارد عامل اقتصادی است. به عنوان مثال افزایش یا کاهش درآمد خانوارها در نحوه و نوع خوراک تأثیر می‌گذارد. اکثر خانوارهای مورد مطالعه این پژوهش بیش‌ترین غذای مصرفی خود را در درجه اول از محصولات کشاورزی و تهیه لبنیات دامداری و همچنین از مبادلات مرزی به دست می‌آورند که این موضوع بستگی بسیار زیادی به عوامل طبیعی آن منطقه دارد. عامل محیطی بر چگونگی و نوع خوراک مؤثرند در فصل تابستان خانوارهایی که اندک زمین زراعی دارند با تهیه مایحتاج اولیه از آن استفاده می‌کنند ولی مشکلات شدید غذا در فصل زمستان آن‌ها را وادار به استفاده از امکانات شهری و خرید از آن می‌نماید. در نواحی کوهستانی بیش‌تر از ۴ یا ۵ ماه کار کشت و زرع را نمی‌توان انجام داد و همین امر مشکلات زیادی را برای روستاییان به وجود آورده است.

مهمانان، حیوانات و غیره را می‌سازند، فضاهایی را نیز برای کارکردهای دیگر یک مسکن روستایی وجود دارند. یکی از این فضاها، محل پخت نان است. این مکان اتاقکی سرپوشیده طراحی شده که به وسیله یک در، می‌توان به آن راه یافت. درون این اتاق، تنور که در زیر زمین کنده شده قرار دارد که دارای روزنه‌ای یا سوراخی از زیر زمین به خارج اتاقک است. معمولاً در هر روستا دو یا سه تنور جهت پخت نان وجود دارد. مصالح ساخت این اتاقک نیز مانند سایر اجزای ساختمان از مصالح موجود در محل یعنی خشت، گِل، چوب و سنگ و خاشاک تهیه می‌شود. با این تفصیلات خانه‌های روستایی مورد مطالعه گاه از تماشایی‌ترین جلوه‌های فرهنگ روستایی برخوردارند. واحدهای مسکونی از نظر اراضی و فضای اشغال شده اکثراً کوچک و بدون حیاط هستند که این فضا با توجه به نتایج تحقیقات، ۵۰ تا ۸۰ متر بوده است. واحدهای مسکونی روستاهای مورد مطالعه اکثراً دارای یک هال، آشپزخانه و اتاق مهمان و راهرو می‌باشد. غالب خانه‌های این مناطق دارای همکف و یک طبقه هستند که طبقه همکف آن بیش‌تر جهت تأمین علوفه و دام حیوانات استفاده می‌شود. دیوارهایی که اتاق‌ها را از هم جدا می‌کند نیز مانند دیوارهای بیرونی خیلی پهن است و این مشکل بسیار جدی در واحدهای مسکونی این مناطق است که اندازه اتاق‌ها را کوچک کرده و شکل بسیار بدی به نمای داخلی آن داده است.

ب) راه‌های ارتباطی و معابر

یکی از مشکلات عمده و اصلی در روستاهای کوهستانی این مناطق، راه‌های ارتباطی و شبکه معابر جهت حمل و نقل کالا و عبور و مرور جمعیت و اهالی روستا می‌باشد. این روستاها به واسطه شکل‌گیری اولیه و توسعه‌ی ساخت و سازهای مسکونی فاقد معابر و کوچه‌های محاسبه شده و هندسی منظم هستند. به عبارتی دیگر، معابر در روستاهای مورد مطالعه، از وضعیت استقرار در واحدهای مسکونی، عوارض طبیعی، وضعیت توپوگرافی و شیب زمین تبعیت می‌کنند. عدم تناسب در شکل‌گیری دقیق معابر و کوچه‌ها در بافت روستایی، مشکلات بسیاری را برای مردم این مناطق فراهم آورده است.

کوهستانی و ناهموار بودن آن از پیامدهای چنین محیطی می‌باشد که این عوامل دست به دست هم داده و شرایط نامساعدی را برای این منطقه به وجود آورده است.

د) الگوهای منابع آبی

یکی از مشکلات عمده منطقه مورد تحقیق، کم آبی و عدم دسترسی به آب سالم است، با توجه به کوهستانی بودن منطقه و محدودیت بودن منابع آب، بهره‌برداری آب از این مناطق با هزینه کم امکان‌پذیر نبوده و کم آبی و محدودیت آن توأم با مشکلات اداری و مالی در وهله اول قرار دارد. اکثر آب‌های این منطقه در عمق دره‌ها و در دامنه‌ها واقع شده‌اند که همین مسئله بهره‌برداری از منابع آب را با مشکل مواجه کرده است و به دلایل شیب زیاد زمین امکان استفاده از آب به زمین‌های کشاورزی و دیگر مصارف روستا وجود ندارد. وابستگی شدید روستاییان به آب و نیاز همیشگی به آن، عمده‌ترین مشغله و دغدغه فکری روستاییان می‌باشد. کمبود و کاهش میزان بارش در سال‌های اخیر و توزیع نامتناسب آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به روستاییان وارد کرده است. ضرورت بهره‌گیری از آب و چشمه‌های جاری در این منطقه جهت آبیاری اراضی و کشت محصولات مختلف موجب ابداع و احداث بندها، پل بندها، کانال‌ها و نهرهای آبیاری و تونل‌های انتقال آب توسط ساکنین این منطقه شده است. کم آبی و استفاده غیر معقول از منابع آب مشکلات جدی و قابل ملاحظه‌ای را برای روستاییان و محیط طبیعی آن ایجاد کرده است. این موضوع بهداشت روستاییان، مواد غذایی و سیستم‌های محیطی این منطقه را به خطر انداخته است. این در حالی است که رشد تقاضا برای تأمین نیازهای مختلف آبی در سطح این روستاها مرتباً افزایش یافته است. بخش عمده‌ای از ساکنین مناطق این روستاها از آب شرب و بهداشت کافی بهره‌مند نیستند، ضمن اینکه آنان به طور نسبی برای این منظور هزینه زیادی پرداخت می‌کنند. مناطقی که دارای نرخ زاد و ولد بیشتر و رشد اقتصادی کم‌تری هستند، اغلب با کمبود امکانات تأمین آب مواجه هستند. تهیه آب آشامیدنی سالم در شرایط خاص به‌ویژه در روستاها و مناطق دور افتاده از اهمیت زیادی برخوردار است. در این روستاها که

البته در این بین روستاییان با شروع فصل بهار و سرسبزی منطقه که در این فصل جلوه و چشم‌انداز خاصی دارد گیاهان خوراکی مثل گلاخه، برگ مو، گیاه برژیوه، کنگر، منده و غیره غذاهای خود را تهیه می‌کنند. در این موقع از سال غذای بیش‌تر روستاییان این مناطق را همین گیاهان فصل بهار تشکیل می‌دهد. الگوهای فرهنگ نیز عامل دیگری است که در چگونگی تغذیه انسان (به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای زیستی) نقش مؤثری را ایفا می‌کند. شیوه‌های مختلف پخت و پز و نیز انواع ابزارها و ابداعات فنی و تکنیکی مشخص‌کننده درجات پیچیدگی و تنوعات فرهنگی است. این روستاها با توجه به فرهنگ و سنت خود غذاهای خود را با همان وسایل قدیمی درست می‌کنند بیش‌تر خانواده‌ها جایی مخصوص را برای پخت غذا ساخته و از سوخت‌های فسیلی (نفت و چوب) برای پخت و پز استفاده می‌کنند. در روستاهای مورد مطالعه این پژوهش، با توجه به مصاحبه‌های انجام شده توسط نگارنده، عواملی هم‌چون فقدان مالی، سرپناه‌های ساخته شده از چوب، گل، سنگ و شاخه‌های گیاهان و غیره وسایل آشپزی ساده، توالی غیر بهداشتی، بهره‌وری پایین زمین‌های کشاورزی (به علت قطعات کوچک و سنگلاخی)، نیروی کار به عنوان تنها ابزار کار، ساعات زیاد کار در مورد زنان و کودکان با کارایی بسیار کم و درآمد ناچیز و یک زندگی بخور و نمیر و ... از معرف‌های نامساعد و فقر در این مناطق محسوب می‌شوند که مشکلات بسیاری را برای اهالی این مناطق به وجود آورده است. مشکلات راه و جاده نیز به نوبه خود در ارتباط روستاییان با دنیای خارج از آن بی-ارتباط نیست. بی‌سوادی، عدم حضور بچه‌ها در مدارس به خاطر مهاجرت به دیگر شهرها و کار بر روی کوره‌های آجرپزی، باغبانی، مزارع‌های بزرگ کشت و صنعت در شهرهای ایران موجب عدم تأمین امکانات کافی برای فرزندان شده و آن‌ها را از درس خواندن و دیگر امکانات آموزشی و فرهنگی محروم کرده است. از دیگر مشکلات بروز فقر در روستاهای مورد مطالعه، تغییرات آب و هوایی، بروز انواع خشکسالی‌ها، قحطی‌ها و ناچیز بودن زنجیره‌های غذایی به دلیل خشک شدن اراضی، ناچیز بودن سرمایه‌های نقدی و آسیب‌پذیری بودن به خاطر محیط

محدود آب کمک نمود. انتخاب محصولات محصولاتی سازگار با اقلیم کوهستانی منطقه و نیاز به کم آبی به خصوص در شرایط خشکسالی از جمله عوامل بهینه سازی الگوی مصرف آب در کشاورزی و در سطح روستا می باشد. کمبود آب از یک سو و عدم مدیریت مناسب در بهره برداری مؤثر از این منابع از سوی دیگر، از دیگر مشکلات اصلی پیش روی توسعه این روستاها محسوب می شود.

همواره با مشکلات کمبود توزیع نامناسب نزولات جوی مواجه بوده، توجه ویژه‌ای به آب‌های زیرزمینی شده است. در سال‌های اخیر متوسط بارندگی شهرستان به علت تغییرات آب و هوایی کاهش یافته است و روستاییان از نظر منابع آبی به شدت در تنگنا می باشند. از طرفی عمده مصرف منابع آب در بخش کشاورزی است. لذا ضروری است با استفاده بهینه، صرفه جویی و افزایش راندمان آبیاری در مزارع این منطقه به حفظ منابع

جدول ۴- توزیع منابع آبی در بخش‌های مختلف در مناطق روستایی مورد مطالعه

Table 4- Distribution of water resources in different sectors in villages studied

ردیف	نام آبادی	آب خانگی		نوع منابع آبی شرب		نوع منابع آبی کشاورزی	
		عمومی	لوله کشی	سطحی	زیرزمینی	سطحی	زیرزمینی
۱	بژوه (اسلام آباد)	۱۵/۵۶	۸۴/۴۴	۲۸/۰۱	۷۱/۹۹	۷۷/۸۱	۲۲/۱۹
۲	بیطوش	۱۱/۷۳	۸۸/۲۷	۲۱/۱۲	۷۸/۸۸	۵۸/۶۶	۴۱/۳۴
۳	بانو	۱۳/۳۸	۸۶/۶۲	۲۴/۰۸	۷۵/۹۲	۶۶/۹۰	۳۳/۱۰
۴	باغی	۹/۱۷	۹۰/۸۳	۱۶/۵۰	۸۳/۵۰	۴۵/۸۳	۵۴/۱۷
۵	بیوران علیا	۱۱/۷۵	۸۸/۲۵	۲۱/۱۵	۷۸/۸۵	۵۸/۷۶	۴۱/۲۴
۶	بناویله کوچک	۷/۳۱	۹۲/۶۹	۱۳/۱۵	۸۶/۸۵	۳۶/۵۳	۶۳/۴۷
۷	بناویله بزرگ	۷/۸۳	۹۲/۱۷	۱۴/۰۹	۸۵/۹۱	۳۹/۱۴	۶۰/۸۶
۸	بریسو	۱۰/۰۴	۸۹/۹۶	۱۸/۰۶	۸۱/۹۴	۵۰/۱۸	۴۹/۸۲
۹	بانه زیر	۱۴/۹۳	۸۵/۰۷	۲۶/۸۷	۷۳/۱۳	۷۴/۶۴	۲۵/۳۶
۱۰	خره آغل	۱۶/۴۰	۸۳/۶۰	۲۹/۵۱	۷۰/۴۹	۸۱/۹۸	۱۸/۰۲
۱۱	دارساوین	۹/۸۱	۹۰/۱۹	۱۷/۶۶	۸۲/۳۴	۴۹/۰۶	۵۰/۹۴
۱۲	دوله گرم	۱۱/۷۴	۸۸/۲۶	۲۱/۱۴	۷۸/۸۶	۵۸/۷۱	۴۱/۲۹
۱۳	ژاژوکه	۷/۸۹	۹۲/۱۱	۱۴/۱۹	۸۵/۸۱	۳۹/۴۳	۶۰/۵۷
۱۴	زوران	۱۴/۵۹	۸۵/۴۱	۲۶/۲۷	۷۳/۷۳	۷۲/۹۶	۲۷/۰۴
۱۵	زره مرگ	۱۳/۲۱	۸۶/۷۹	۲۳/۷۸	۷۶/۲۲	۶۶/۰۶	۳۳/۹۴
۱۶	شلماش	۸/۸۵	۹۱/۱۵	۱۵/۹۳	۸۴/۰۷	۴۴/۲۶	۵۵/۷۴
۱۷	بالان	۱۰/۵۷	۸۹/۴۳	۱۹/۰۲	۸۰/۹۸	۵۲/۸۳	۴۷/۱۷
۱۸	سنجوه	۷/۸۳	۹۲/۱۷	۱۴/۱۰	۸۵/۹۰	۳۹/۱۷	۶۰/۸۳
۱۹	قازان	۸/۱۸	۹۱/۸۲	۱۴/۷۳	۸۵/۲۷	۴۰/۹۲	۵۹/۰۸
۲۰	قلته	۱۳/۷۵	۸۶/۲۵	۲۴/۷۵	۷۵/۲۵	۶۸/۷۶	۳۱/۲۴
	میانگین	۱۱/۲۳	۸۸/۷۷	۲۰/۲۱	۷۹/۷۹	۵۶/۱۳	۴۳/۸۷
	انحراف معیار	۲/۸۹	۲/۸۹	۵/۲۱	۵/۲۱	۱۴/۴۷	۱۴/۴۶
	ضریب تغییرپذیری	۰/۲۹	۰/۰۳	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۳۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

که نشان دهنده‌ی این واقعیت است که بیش‌تر آب شرب این روستاها از منابع آبی زیرزمینی مانند چشمه و قنات تأمین می‌شود. همچنین منابع آبی برای تأمین مصارف کشاورزی نیز به دو دسته‌ی سطحی و زیرزمینی تقسیم می‌شود که در بیش‌تر این روستاها برای مصارف کشاورزی از آب‌های زیرزمینی استفاده می‌کنند. که میانگین استفاده هر یک از آن‌ها به ترتیب برابر با ۵۶/۱۳ و ۴۳/۸۷ درصد برای کل روستاها می‌باشد.

با توجه به جدول شماره ۴، توزیع آب برای مصارف خانگی در روستاهای مورد مطالعه‌ی به دو دسته آب لوله‌کشی و آب شیرهای عمومی تقسیم می‌شود. میانگین آب لوله‌کشی در این روستاها برابر با ۸۸/۷۷ درصد و آب عمومی برابر با ۱۱/۲۳ درصد می‌باشد. نوع منابع آب شرب نیز به دو دسته‌ی سطحی و زیرزمینی تقسیم می‌شود که میانگین مصارف این منابع آبی در کل روستاها به ترتیب برابر با ۲۰/۲۱ و ۷۹/۷۹ درصد می‌باشد

جدول ۵- بررسی میانگین شاخص‌های مورد بررسی از لحاظ ابعاد پایداری و رتبه در روستاهای مورد مطالعه شهرستان

سردشت

Table 5- Study of mean values in terms of dimensionally stable and rank in the villages studied the city of Sardasht

رتبه	شدت پایداری	میانگین ابعاد پایداری	زیست محیطی	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی	روستاها / ابعاد پایداری
۵	متوسط	۲/۶۶	۳/۲۹	۲/۸۷	۲/۴۸	۲/۰۱	باغی
۷	متوسط	۲/۵۸	۲/۹۵	۲/۳۹	۲/۳۹	۲/۵۹	بالان
۴	متوسط	۲/۷۰	۳/۱۳	۲/۴۴	۲/۷۸	۲/۴۶	بانه زیر
۹	کم	۲/۳۶	۳/۰۱	۲/۱۴	۲/۴۲	۱/۸۷	بانو
۱۲	کم	۲/۲۷	۲/۰۷	۲/۹۱	۲/۷۲	۱/۳۸	بریسو
۱	زیاد	۳/۱۲	۳/۶۵	۲/۹۶	۲/۹۷	۲/۸۹	بژوه (اسلام آباد)
۱۰	کم	۲/۳۱	۲/۰۱	۲/۶۴	۲/۶۶	۱/۹۳	بناویله بزرگ
۱۴	کم	۲/۲۱	۲/۶۴	۱/۹۵	۲/۶	۱/۶۴	بناویله کوچک
۳	متوسط	۲/۷۷	۳/۷۱	۲/۳۶	۲/۳۶	۲/۶۴	بیطوش
۲	متوسط	۲/۸۷	۳/۷۹	۲/۰۵	۲/۵۴	۲/۹۸	بیوران علیا
۱۹	خیلی کم	۱/۹۸	۲/۱۹	۱/۶۸	۲/۸۴	۱/۲۲	خره آغل
۱۵	کم	۲/۱۹	۲/۲۵	۱/۲۶	۲/۹	۲/۳۶	دارساوین
۱۱	کم	۲/۳۱	۲/۳۱	۱/۸۷	۲/۹۶	۲/۰۹	دوله گرم
۱۷	خیلی کم	۲/۰۵	۲/۴۹	۲/۱۷	۲/۰۸	۱/۴۴	زره مرگ
۱۸	خیلی کم	۲/۰۲	۲/۴۳	۱/۶۸	۲/۱۲	۱/۸۳	زوران
۲۰	خیلی کم	۱/۸۱	۲/۰۵	۱/۲۹	۲/۰۹	۱/۷۹	ژاژوکه
۶	متوسط	۲/۵۸	۲/۶۷	۲/۴۹	۲/۴۷	۲/۶۹	سنجوه
۸	متوسط	۲/۵۳	۲/۵۵	۲/۹۵	۱/۹۵	۲/۶۸	شلماش
۱۳	کم	۲/۲۱	۲/۷۳	۱/۵۸	۲/۱۵	۲/۳۹	قازان
۱۶	خیلی کم	۲/۰۹	۲/۷۹	۱/۵۲	۱/۲۸	۲/۷۸	قلته
-	-	۲/۳۸	۲/۷۴	۲/۱۶	۲/۴۴	۲/۱۸	میانگین پایداری کل

توجه به ابعاد زیست محیطی در این منطقه از اولویت برخوردار است. چنان که ذکر گردید، هیچ کدام از روستاها در سطح زیست‌پذیری مطلوب قرار ندارند و همه آن‌ها با فاصله‌ای اندک در وضعیت متوسط و یا نامطلوب قرار گرفته‌اند.

نتایج نشان می‌دهد روستاهایی که از لحاظ منابع آبی در وضعیت بهتری قرار داشته‌اند، از لحاظ میزان پایداری نیز وضعیت بهتری دارند و روستای بیژوه (اسلام آباد) (۳/۱۲ درصد) با بیش‌ترین میزان پایداری گویای این واقعیت است، و بالعکس روستاها لحاظ منابع آبی در معرض ناپایداری قرار گرفته‌اند بر روی محیط اجتماعی و اقتصادی آن‌ها نیز تأثیر گذاشته و در نتیجه ناپایداری اجتماعی و اقتصادی را به دنبال داشته است.

تحلیل فضایی نیز نشان می‌دهد که روستاهای ناپایدار در جایی قرار گرفته‌اند که در نحوه تامین آب برای مصارف خانگی و کشاورزی مشکل داشته‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود مدیریت مناسب بر روی منابع آب در منطقه صورت بگیرد.

با توجه به جدول ۵، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح زیست‌پذیری با هم متفاوت هستند و شرایط یکسانی را از نظر زیست‌پذیری برای ساکنان خود مهیا نکرده‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که صرف قرار گرفتن در مجاور نقاط شهری و دسترسی به امکانات موجود در شهرها نمی‌تواند متضمن ایجاد و شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی زیست‌پذیر با کیفیت زندگی مطلوب باشد. خصوصاً روستاهایی که پیرامون مرزها و نزدیکی به کشور عراق قرار گرفته‌اند، به دلیل پذیرا شدن تعداد زیاد مهاجران، معضلات و مشکلات متعدد و متفاوتی را تجربه می‌نمایند که همین امر روی کیفیت زیست در آن‌ها تأثیر انکارناپذیری دارد.

نتایج بررسی وضعیت پایداری سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سردشت نشان می‌دهد که اکثریت روستاها از لحاظ میزان پایداری در وضعیت نامطلوبی قرار دارند، به طوری که ناپایداری درصد روستاها از متوسط به بالا است و فقط ۳۵ درصد آن‌ها بیش‌تر از حد متوسط هستند. بعد زیست محیطی با ۲/۷۴ درصد بیش‌ترین سهم را در این زمینه به عهده داشته است لذا

جدول ۶- رابطه‌ی همبستگی بین عوامل زیستی روستاها با موقعیت، فاصله از مرز و کوهستانی بودن

Table 6- Correlation relationship between biological factors countryside location, away from the border and being mountainous

میزان خطای مجاز	کوهستانی بودن		فاصله از مرز		موقعیت جغرافیایی		توضیحات
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
۰/۰۵	۰/۴۱۵ *	۰/۰۳۲	۰/۲۳۸	۰/۰۱۹	۰/۱۱۳ *	۰/۰۴۴	نوع منابع آبی کشاورزی
۰/۰۵	۰/۵۳۵ *	۰/۰۱۸	۰/۲۲۷	۰/۰۹	۰/۱۱۰ *	۰/۰۱۴	تعداد دام
۰/۰۵	۰/۳۱۲ *	۰/۰۲۵	۰/۳۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸۶ *	۰/۰۴۸	مجموع اراضی آبی
۰/۰۵	۰/۲۳۴	۰/۰۱۴	۰/۳۲۶	۰/۰۱۶	۰/۲۳۵	۰/۰۱۵	مجموع اراضی دیمی
۰/۰۵	۰/۲۷۳ *	۰/۰۰۸	۰/۴۳۱ *	۰/۰۴۲	۰/۵۳۷	۰/۰۱۳	فعالیت غالب منطقه
۰/۰۵	۰/۳۲۸	۰/۰۱۵	۰/۶۲۱ *	۰/۰۰۰	۰/۳۳۲	۰/۰۱۷	سرانه بهداشتی
۰/۰۵	۰/۷۰۶	۰/۰۰۰	۰/۴۱۷ *	۰/۰۱۲	۰/۲۷۹	۰/۰۲۶	سرانه آموزشی
۰/۰۵	۰/۵۰۳	۰/۰۰۶	۰/۴۰۱ *	۰/۰۳۶	۰/۷۲۵	۰/۰۱۵	سرانه مسکن
۰/۰۵	۰/۶۳۸	۰/۰۲۶	۰/۲۶۳ *	۰/۰۱۶	۰/۵۲۴ *	۰/۰۳۴	سرانه آب شرب

* علامت ستاره نشانه معنی‌دار بودن بین متغیرها می‌باشد.

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول شماره ۶، بین نوع منابع آبی کشاورزی و موقعیت جغرافیایی با $(R=0/113, P=0/044)$ ، و کوهستانی بودن منطقه با $(R=0/415, P=0/032)$ در سطح $0/05$ با توجه به سطح معناداری آزمون‌ها که کوچک‌تر از میزان خطای مجاز می‌باشند رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این نشان دهنده این مطلب است که طبیعت کوهستانی و محیطی با آب و هوای معتدل در فراهم کردن آب مورد نیاز کشاورزان بسیار با اهمیت است. تعداد دام نیز در هر یک از روستاهای مورد مطالعه‌ی شهرستان سردشت با موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن منطقه با ضریب همبستگی $(P=0/014, R=0/110)$ در سطح $0/05$ که کوچکتر از میزان خطای مجاز می‌باشد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

مجموع اراضی آبی نیز با موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن منطقه دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با ضریب همبستگی $(R=0/386, P=0/048)$ می‌باشد و با توجه به سطح معناداری آزمون که کوچکتر از میزان خطای مجاز می‌باشد معنی‌دار است ولی این عامل با فاصله از مرز رابطه‌ی نداشته است. با توجه به جدول ۶، مشاهده می‌شود که مجموع اراضی دیمی با هیچ یک از عوامل موقعیت، فاصله از مرز و کوهستانی بودن منطقه

رابطه‌ای نداشته و معنی‌دار نبوده است.

فعالیت‌های غالب منطقه نیز با فاصله از مرز و کوهستانی بودن منطقه دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. ضریب همبستگی به دست آمده به ترتیب برابر با ضریب همبستگی $(R=0/431, P=0/042)$ و $(R=0/273, P=0/008)$ در سطح $0/05$ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری آزمون که کوچک‌تر از میزان خطای مجاز می‌باشد، دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. بین سرانه بهداشتی، سرانه آموزشی، سرانه مسکن و سرانه آب شرب در منطقه رابطه‌ی مثبت و معناداری با فاصله از مرز وجود دارد. ضریب حاصل از نتایج همبستگی به دست آمده برای سرانه‌ی بهداشتی $(R=0/621, P=0/000)$ ، برای سرانه‌ی آموزشی $(R=0/417, P=0/012)$ ، برای سرانه‌ی مسکن روستایی $(R=0/401, P=0/036)$ و برای سرانه آب بهداشتی و شرب نیز با $(R=0/263, P=0/016)$ و با موقعیت جغرافیایی نیز در سطح $(R=0/524, P=0/034)$ رابطه‌ی در سطح $0/05$ وجود دارد که با توجه به سطح معناداری آزمون‌ها که کوچکتر از میزان خطای مجاز می‌باشند دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری هستند.

جدول ۷- تحلیل میزان همبستگی بین مولفه‌های زیستی روستاییان با وضعیت مهاجرت

Table 7- The analysis of the correlation between biological components villagers with immigration status

توضیحات	میزان خطای مجاز	سطح معناداری	ضریب همبستگی (R)
سکونتگاه‌های مسکن روستایی	0/05	0/016	-0/491 *
ساختار مسکن	0/05	0/031	-0/314
معماری واحدهای مسکونی روستایی	0/05	0/022	0/236
مصالح ساختمانی	0/05	0/000	-0/576 *
خوراک	0/05	0/064	-0/521 *
پوشاک	0/05	0/032	0/329
راههای ارتباطی و معابر کوچه‌ها	0/05	0/021	-0/541 *
الگوهای منابع آبی	0/05	0/014	-0/617 *

* علامت ستاره نشانه معنی‌دار بودن بین متغیرها در سطح $0/05$ می‌باشد.
(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

معکوس می‌باشد. ضریب همبستگی محاسبه شده برای این دو نوع مؤلفه به ترتیب برابر با ($R = -0/541, P = 0/021$) و ($R = -0/617, P = 0/014$) در سطح $0/05$ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری که کوچکتر از میزان خطای مجاز می‌باشد معنی‌دار و علامت مورد انتظار آن منفی می‌باشد. از تجزیه و تحلیل اغلب مطالعات در رابطه با شرایط زیست در مناطق روستایی شهرستان سردشت می‌توان به این نتیجه رسید که شرایط سخت زیستی و کمبود امکانات و تسهیلات در این مناطق روستاییان را مجبور به مهاجرت نموده و باعث کاهش و تخلیه‌ی روستاهای این منطقه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های روستایی به واسطه‌ی قرارگیری در معرض آسیب‌های محیطی و همچنین سطح آسیب‌پذیری بالا دارای شرایط زیستی خطرناکی هستند. در این میان سطح برخورداری روستاییان از امکانات و زیرساخت‌ها در کنار بسترهای اجتماعی مناسب می‌تواند تا حدودی جبران‌کننده‌ی سطح بالای آسیب‌پذیری روستاییان در برابر مخاطرات باشد. به همین علت امروزه دستیابی به شرایط مطلوب زندگی، رفاه و آرامش از اهداف عمده‌ی دستیابی به پایداری سکونتگاه‌های روستایی است. به عبارت دیگر توسعه‌ی پایدار روستایی به دنبال ارتقای سطح کیفیت زندگی، دستیابی به روستای سالم و روستای قابل سکونت متناسب با شرایط امروزی است که از طریق فراهم شدن شرایط مناسب زندگی انسانی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - محیطی فراهم می‌گردد. اما یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش زیست‌پذیری یک محیط، وقوع مخاطرات و آسیب‌هایی است که به همراه دارد. پیامدهای ناشی از آن، سبب بروز آسیب‌های زیست‌محیطی، ناآرامی‌های اجتماعی و شکست ساختارهای کالبدی یک سکونتگاه می‌شود. می‌توان این تأثیرات را در مجموع، ناپایداری ابعاد مختلف زیست‌پذیری یک سکونتگاه روستایی عنوان کرد که در میزان نحوه‌ی تحمل‌پذیری و برگشت به شرایط اولیه‌ی اجتماعات انسانی اثر خواهد داشت.

با توجه به جدول ۷ و تجزیه و تحلیل‌های آن، رابطه‌ی هر یک از مولفه‌های زیستی با مهاجرت بررسی شده است. بین سکونتگاه‌های مسکن روستایی با ضریب همبستگی ($P = 0/016, R = 0/491$) در سطح $0/05$ با متغیر مهاجرت، رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. به این دلیل که مسکن روستایی در مهاجرت روستاییان تأثیر دارد و دارای یک رابطه‌ی منفی و معنی‌دار می‌باشند و این نشان دهنده‌ی این است که هر چه خانه‌های روستایی دارای امکانات و شرایط زیست بهتر باشد، میزان مهاجرت کم و هر چه امکانات و شرایط زیست در مناطق روستایی کم‌تر باشد مهاجرت بیش‌تر صورت می‌گیرد. هیچ رابطه‌ای بین ساختار مسکن روستایی و معماری روستایی با مهاجرت در روستاهای مورد مطالعه وجود نداشته است.

مصالح ساختمانی روستاها نیز دارای یک رابطه‌ی منفی و معکوس با میزان مهاجرت است. بدین معنی، هنگامی خانه‌های روستایی از مصالح خوب با دوام ساخته شده باشد میزان ماندگاری جمعیت و روستاییان در روستا بیش‌تر می‌شود و در نتیجه بر مهاجرت اثر منفی دارد. ولی بر عکس هنگامی که واحدهای مسکونی روستایی از مصالح بی‌دوام و ضعیف ساخته شده باشد فرسودگی مصالح، روستاییان منطقه را مجبور به مهاجرت و ساخت مسکن در شهر می‌کند در نتیجه بین این عوامل با ضریب همبستگی ($P = 0/000, R = -0/576$) و سطح معناداری $0/05$ که کوچک‌تر از میزان خطای مجاز می‌باشد رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

همچنین بین عوامل دسترسی روستاییان به خوراک نیز دارای یک رابطه‌ی معنی‌دار با مهاجرت روستاییان می‌باشد که رابطه‌ی آن معکوس و علامت مورد انتظار آن منفی می‌باشد. ضریب همبستگی برای این عوامل ($P = 0/064, R = -0/521$) می‌باشد که با توجه به سطح معناداری $0/05$ که کوچک‌تر از میزان خطای مجاز می‌باشد رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

بین عوامل پوشاک با میزان مهاجرت نیز هیچ رابطه‌ای وجود ندارد و این عوامل بر میزان مهاجرت در روستاهای مورد مطالعه بی‌اثر بوده است. در نهایت بین راه‌های ارتباطی و الگوهای منابع آبی با مهاجرت روستاییان نیز دارای یک رابطه‌ی معنی‌دار و

این امر می‌تواند یکی از علل بروز مشکلات متعددی در روستاهای مورد مطالعه باشد.

بنابراین می‌توان استدلال کرد که با افزایش و بالا بودن سطح زیست‌پذیری در مناطق روستایی، همزمان، سطح مقاومت روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین یکی از راهکارهای کاهش سطح آسیب‌پذیری روستاییان افزایش و ارتقای سطح زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های روستایی است، زیرا برخورداری روستاییان از سطح زیست مناسب، توانایی مقاومت و برگشت‌پذیری روستاییان در برابر عوامل محیطی و توان‌های آن را افزایش می‌دهد.

لازمه توسعه، رفع عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و توزیع منافع و امکانات به صورت متعادل و هماهنگ است. در این راستا نقاط روستایی مناطق مرزی کشور به دلیل دوری از مرکز و فقدان بسترهای اقتصادی و صنعتی از اولویت بالایی به لحاظ سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برخوردارند.

ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، پایین بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این مناطق است. دستیابی به توسعه در چنین وضعیتی نیازمند بهره‌برداری از تمامی امکانات و قابلیت‌های توسعه این مناطق از جمله تأسیس و گسترش بازارچه‌های مرزی است. بازارچه مرزی علاوه بر سرعت بخشیدن به تجارت در امر صادرات غیر نفتی، در رشد و شکوفایی و توسعه اقتصادی منطقه نیز مفید بوده و کمک بزرگی در اشتغال‌زایی هستند و علاوه بر اشتغال مستقیم تعداد زیادی از مردم منطقه اطراف بازارچه‌ها، موجبات اشتغال غیرمستقیم، کنترل مهاجرت‌های روستا شهری و حضور در عرصه‌های اقتصادی بزرگ‌تر را فراهم می‌آورند. نتایج عنابستانی با پژوهش حاضر مطابقت دارد؛ زیرا این پژوهش نشان می‌دهد که روستاها بر پایه آب و خاک مناسب استوار بوده است و عوامل طبیعی و موقعیت جغرافیایی اشاره شده در تحقیق نقش مهم و اساسی در توسعه سکونتگاه‌های زیستی روستایی مورد مطالعه داشته‌اند. نتایج پژوهش اجتماعی و دیگران نیز نشان می‌دهد که بعد زیست محیطی بیش‌ترین تأثیر را بر روی سکونتگاه‌های روستایی فیروزآباد

بر این اساس در مطالعه‌ی حاضر، سعی شده تا با سنجش سطح زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی رابطه‌ی آن با توسعه پایدار و شرایط موقع روستاییان در محیط طبیعی مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج بررسی وضعیت پایداری سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سردشت نشان می‌دهد که اکثریت روستاها از لحاظ میزان پایداری در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. نتایج نشان می‌دهد روستاهایی که از لحاظ منابع آبی در وضعیت بهتری قرار داشته‌اند، از لحاظ میزان پایداری نیز وضعیت بهتری دارند و روستایی بیژوه (اسلام آباد) با بیش‌ترین میزان پایداری گویای این واقعیت است، و بالعکس روستاهایی که از لحاظ منابع آبی در معرض ناپایداری قرار گرفته‌اند بر روی محیط اجتماعی و اقتصادی آن‌ها نیز تأثیر گذاشته و در نتیجه ناپایداری اجتماعی و اقتصادی را به دنبال داشته است و روستای ژاژوکه با کم‌ترین میزان پایداری دلیل بر این واقعیت است. کاهش سالیانه منابع آب هم در اثر عوامل انسانی و احداث چاه‌ها صورت گرفته است. تحلیل فضایی نیز نشان می‌دهد که روستاهای ناپایدار در جایی قرار گرفته‌اند که مشکل آب داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که موقعیت مکان طبیعی سکونتگاه‌ها در ارتقاء کیفیت مکان و رضایتمندی ساکنین تا حدودی مؤثر است.

می‌توان گفت روستاهایی که دارای موقعیت کوهستانی بهتر هستند به لحاظ موقعیت مناسب طبیعی و برخورداری مناسب از زیرساخت‌ها و خدماتی مانند راه ارتباطی مناسب‌تر، دسترسی مناسب به وسایل حمل و نقل، برخورداری از آب، برق، تلفن، دسترسی مناسب به خدمات مانند خواربار فروشی و نانوايي، برخورداری از زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و در نتیجه درآمد نسبتاً مناسب برای کفاف و تأمین هزینه‌های زندگی و نیازهای اولیه، رضایتمندی بیش‌تری برای ساکنین نسبت به روستاهای کاملاً کوهستانی ایجاد کرده‌اند.

هم‌چنین یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که بعد فاصله نیز مؤثر بر کیفیت مکان روستاهاست، به طوری که اکثر روستاهای کوهستانی مورد مطالعه دور از مرکز بخش قرار گرفته‌اند که

منابع

- داشته است که در پژوهش حاضر نیز به نقش و اهمیت ابعاد زیست محیطی توجه شده و عاملی مهم در توسعه و پایداری زیستگاه‌های روستایی دارد.
- مطیعی لنگرودی بیان می‌کند که تنگناهای فیزیکی موجود (ناهمواری و شیب تند اراضی) سبب مهاجرت و کم جمعیتی روستاهای دره‌ای مورد مطالعه گردیده و بعضی از روستاها در حال تخلیه جمعیت می‌باشند.
- پژوهش مطیعی لنگرودی با تحقیق حاضر مطابقت زیادی دارد زیرا کوهستانی بودن منطقه و شیب زیاد اراضی باعث بازدهی کم در واحد سطح شده، مشکلات زیادی را برای بعضی از روستاها به وجود آورده و موجب تخلیه روستاها و کم جمعیتی بعضی از آنها شده است.
- نتایج حاصله با پژوهش کاظمی‌پور (۱۳۷۴) مغایرت دارد زیرا این پژوهش نشان می‌دهد زیرا عامل نزدیکی به مرز و مبادلات مرزی بیشتر باعث ماندگاری جمعیت بعضی از روستاهای مورد مطالعه شده است. بازارچه‌های مرزی اشکان و قاسمه‌رش در شهرستان سردشت توانسته است موجب توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون شود اما در مهار فعالیت‌های غیررسمی و قاچاق ناتوان بوده است.
- در پایان، با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق، می‌توان اظهار کرد که عوامل متعددی در پایداری زیست محیطی روستاهای شهرستان سردشت دخالت دارند که با تقویت هر یک از این عوامل می‌توان این پایداری را تداوم بخشید و به سایر مناطق روستایی کشور نیز تعمیم داد. در این رابطه، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:
- مشارکت همه جانبه روستاییان در تمام مراحل برنامه-ریزی پروژه‌های زیست محیطی
 - شناسایی و تقویت روش‌های بومی و محلی به منظور پایداری زیست محیطی
 - تشریح دقیق استفاده از ضوابط فنی ساختمان به روستائیان؛
 - توجه به توان‌های سکونتگاه‌های روستایی
- ۱- شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر و محمود گنجی پور «سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۳۹۱، سال چهارم، شماره سیزدهم، اصفهان، صص ۱۴۴ - ۱۲۷.
- 2- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. 2003: Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and urban planning*, 65(1), pp 5-18.
- 3- Baldwin, S., Godfrey, C., & Proper, C., 1992: *Quality of life: perspective and policies*, Routledge.
- ۴- اجتماعی، بابک؛ غفاری، سید رامین؛ جاوری، مجید و نجف پور، بهرام «سنجش پایداری سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی فیروز آباد فارس)»، *جغرافیا، زمستان ۱۳۹۳*، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۲۹۴ - ۲۷۹.
- ۵- رضوانی، محمد رضا، «تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۱۳۸۳، شماره ۵۰.
- ۶- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ فرجی سبکبار، حسنعلی؛ شاهی اردبیلی، حکمت؛ رضا علی، منصور، «تنگناهای توسعه فیزیکی - سکونتی در روستاهای دره‌ای غرب شهرستان مشهد»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۱۳۸۵، شماره ۵۶.
- 7- Morisson, L. et al. 1979. *The Disintegrating Village: Social Change in Rural Sri Lanka*, colobo: Lake House Investment.

- ۱۷- سعیدی، عباس، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- 18- Glasson, J., Therivel, R. and Chadwick, A. 1996, Introduction to Environmental Impact Assessment;
- 19- A. A. Anabstani. 2011. The role of natural factors in stability of rural settlements (case study: Sabzevar county): Geography and Environmental Planning, 21th Year, vol. 40, No.4, PP: 89-104.
- ۲۰- حاتمی‌نژاد، «حسین تنگناهای توسعه فضایی در روستاهای دره‌ای گلیان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۷۲، شماره ۳۱.
- ۲۱- کاظمی پور، شهلا، «تحرک اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران»، رساله دکترای جامعه‌شناسی، ۱۳۷۴، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۲- عنابستانی، علی اکبر و خسرو بیگی، رضا، تقی لو، علی اکبر و شمس‌الدینی، علی اکبر، «سطح بندی پایداری توسعه روستایی با استفاده از فن تصمیم گیری چند معیاره برنامه‌ریزی توافقی»، فصلنامه جغرافیای انسانی، ۱۳۹۰، سال سوم، شماره دوم؛
- 23- Patrick, R, 2002, developing sustainability indicators for rural residential areas: the public transit connection, Simon Fraser University, United State;
- ۲۴- احمدی، شیرکو و توکلی، مرتضی، «تحلیل حرکات مکانی جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان سردشت)»، مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳۹۴، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۶۰-۴۳.
- ۲۵- آریانفر، مؤده، نیکو، پوران (۱۳۹۲) گونه‌شناسی مسکن روستایی استان خوزستان، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار. انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، ۱۳۹۲.
- ۸- مهندسان مشاور ستیران. ۱۳۵۵. مطالعه استراتژی دراز مدت طرح آمایش سرزمین، سازمان برنامه و بودجه.
- ۹- وارثی، حمید رضا؛ حسینی ابری، حسن و زارع شاه آبادی، علیرضا، «بررسی نیازها و اولویت‌های جامعه روستایی از نظر زنان روستایی استان یزد»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۱۳۸۵، ج ۲۰، شماره ۱، صص ۱۴۸-۱۲۱.
- ۱۰- میسرا، آر، پی «توسعه روستایی- مسائل و مشکلات»، ترجمه علی اکبر، گاهنامه روستا و توسعه، ۱۳۶۶، شماره اول، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- 11- Dajian & Peter. 2010. World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development Chinese Journal of Population, Resources and Environment, Vol. 4, No.1.
- 12- May, A. 1996. Information Technology in Urban Planning. Routledge, London.
- ۱۳- بلادپس، علی، «تحلیلی در مخاطرات محیطی و ژئومورفولوژیکی سکونتگاه‌های روستایی شمال منطقه‌ی مرند (دشت هلاکو)، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، زمستان ۱۳۹۰، سال یازدهم، شماره‌ی ۳۶، ۲۳- ۱.
- ۱۴- صالحی فرد، محمد؛ علی‌زاده، سیددانا، تحلیلی بر ابعاد اجتماعی و روانشناختی فضاها‌ی سبز در شهرها (با رویکرد مدیریت شهری). فصلنامه‌ی مدیریت شهری، ۱۳۸۷، شماره ۲۱، صص ۳۴- ۱۹.
- ۱۵- وزارت نیرو، ۱۳۹۱، مطالعات جامع آب کشور.
- 16- Dixon. Chris, (1991), rural development in Third World. London: Rutledge

۲۸- آسایش.حسین (۱۳۸۸) کارگاه برنامه ریزی روستایی، انتشارات پیام نور.

۲۹- سرتیپی پور، محسن. ۱۳۸۸، بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، نشریه صفا، سال نوزدهم، شماره ۴۹، پاییز و زمستان، صص ۴۷-۶۱.

۲۶- زرگر، اکبر (۱۳۸۶) درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۲۷- فریدون زاده، ح و حقیقت، ف، ۱۳۹۵، بازشناخت گونه های مسکن روستایی شهرستان خلخال مطالعه موردی: روستای اندبیل، همایش معاصر سازی مسکن، دانشگاه محقق اردبیلی.